

۱۲ نگاه

هادی اسماعیلی

چوب بانک مرکزی لای چرخ تولید با آزادسازی نرخ سود

بانک مرکزی در آستانه تغییر یکی از مهم‌ترین متغیرهای سیاست پولی قرار دارد و آنچه تاکنون از آن با عنوان تغییر سیاست سرکوب نرخ سود بانکی یاد می‌شود، در عمل چیزی جز حرکت به سمت آزادسازی نرخ سود و نزدیک کردن آن به تورم انتظاری نیست که اگر بدون اصلاح هم‌زمان ساختارهای معیوب تأمین مالی، نظام بانکی و محیط کسب‌وکار اجرا شود، بیش از آنکه به کارآمدی بازار پول بینجامد، هزینه تأمین آن را بر دوش بخش مولدی خواهد گذاشت که همین امروز نیز از دسترسی به اعتبار ارزان و پایدار محروم است. آزادسازی نرخ سود در ادبیات اقتصاد، اقدامی نامتعارف محسوب نمی‌شود، اما محل اختلاف، شرایطی است که این سیاست در آن اجرا می‌شود. به دیگر سخن، در اقتصادهایی که نرخ تورم همراه شده است و بازارهای مالی از عمق کافی برخوردارند و حتی ریسک‌های سیاسی محدود، ویژه فعالیت‌های مولد با هزینه سرمایه تعدیل‌شده، نرخ سود نقش متعارف خود را در تخصیص منابع ایفا می‌کند و همین نسخه، هنگامی که به اقتصادی با تورم مزمن، ناظمینانی گسترده، ناترازی بانکی و یزاده پایین بخش تولید منتقل شود، الزاماً همان نتیجه را به همراه خواهد داشت.

از سوی دیگر، نرخ سود بانکی برای بنگاه تولیدی صرفاً قیمت پول نیست، بلکه بخشی از هزینه سرمایه است، بنابراین هر تصمیم سرمایه‌گذاری بر مبنای مقایسه میان بازده مورد انتظار و هزینه تأمین مالی اتخاذ می‌شود. لذا تا زمانی که بازده یک فعالیت اقتصادی از هزینه سرمایه بیشتر باشد، در یافت تسهیلات توجیه اقتصادی دارد، اما هر گاه این نسبت معکوس شود، سرمایه‌گذاری نیز خود را از دست می‌دهد. از همین رو افزایش نرخ سود بانکی پیش از آنکه بر رفتار سپرده‌گذار اثر بگذارد، محاسبات اقتصادی بنگاه را تغییر می‌دهد. مسئله اینجاست که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های مولد در اقتصاد کشورمان، بازدهی متناسب با نرخ‌های بالای سود بانکی ندارند و تولیدکننده با هزینه‌های فراینده مواد اولیه، انرژی، حمل‌ونقل، مالیات، بیمه، استهلاک تجهیزات، محدودیت‌های تجاری، نوسان نرخ ارز و دشواری دسترسی به بازارهای صادراتی روبه‌روست و مجموعه این عوامل، حاشیه سود بنگاه را کاهش داده است. بنابراین در چنین وضعی، نزدیک شدن نرخ سود تسهیلات به تورم انتظاری، هزینه سرمایه را به سطحی می‌رساند که بسیاری از طرح‌های تولیدی دیگر قادر به پوشش آن نخواهند بود.

پایامد طبیعی این وضعیت، حذف تدریجی بنگاه‌های مولد از بازار اعتبار است و حذف از بازار اعتبار به این معنا نیست که نیاز بنگاه به منابع مالی از میان می‌رود، بلکه به این معناست که بنگاه دیگر توان پذیرش هزینه استقراضی را ندارد که شبکه بانکی مطالبه می‌کند. نتیجه قهری هم این می‌شود که سرمایه در گردش فعالیت‌هایی که سود به تبع آن، نوسازی خطوط تولید به تعویق می‌افتد و طرح‌های توسعه متوقف می‌شوند و ظرفیت تولید به تدریج کاهش پیدا می‌کند. لکن این روند معمولاً پیش از آنکه از آمارهای رشد اقتصادی نمایان شود، در کاهش سرمایه‌گذاری و افت تشکیل سرمایه ثابت خود را آشکار می‌سازد. هم‌زمان، رفتار بانکی نیز تغییر خواهد کرد و بانکی که منابع خود را با تراز بالاتری تجهیز می‌کند، ناگزیر است بازده بیشتری از محل اعطای تسهیلات به دست آورد و در چنین شرایطی، تمایل بانک به تأمین مالی فعالیت‌هایی که دوره بازگشت سرمایه طولانی و حاشیه سود محدود دارند، کاهش می‌یابد و ترکیب اعتبارات به سمت متقاضیانی تغییر می‌کند که بازده اسمی بالاتری دارند و بازپرداخت آنها برای بانک کمرسبک‌تر از ارزیابی می‌شود. جالب آنکه این تغییر، حتی بدون صدور هیچ بخشنامه‌ای، از منطبق اقتصادی ترازنامه بانک ناشی می‌شود و به همین دلیل نیز به‌سادگی قابل اصلاح نخواهد بود.



همین نقطه، محل اصلی اختلاف با رویکردی است که آزادسازی نرخ سود را نسخه‌ای عام برای اصلاح بازار پول تلقی می‌کند. نظریه سرکوب مالی، که از دهه ۱۹۷۰ و با آثار رونالد مک‌کینون و ادوارد شوارز و ادبیات اقتصاد شد، افزایش نرخ سود حقیقی را عاملی برای رشد پس‌انداز، تجهیز منابع و افزایش سرمایه‌گذاری می‌داند. اما این نتیجه بر چند پیش‌فرض استوار است: نخست آنکه نظام بانکی باید از سلامت مالی برخوردار باشد، دوم اینکه بازار اعتبار باید رقابتی عمل کند و ریسک‌های اقتصاد کلان در سطحی قابل پیش‌بینی قرار داشته باشد و سوم آنکه منابع تجهیزشده نیز به سمت سرمایه‌گذاری مولد هدایت شوند. بنابراین فقدان هر یک از این پیش‌فرض‌ها، زنجیره استدلال این نظریه را با اختلال روبه‌رو می‌کند.

از سوی دیگر، شبکه بانکی کشورمان با ناترازی درآی و بدهی، مطالبات غیر جاری، بنگاده‌ای، درآی‌های منجمد و محدودیت نقدینگی دست‌به‌کریبان است و طبعاً در چنین ساختاری، افزایش نرخ سود پیش از آنکه کیفیت تخصیص اعتبار را ارتقا دهد، هزینه تجهیز منابع را افزایش می‌دهد و فشار بیشتری بر ترازنامه بانک‌ها وارد می‌کند و بانکی که برای حفظ سپرده ناچار به پرداخت سود بالاتر است، ناگزیر همان هزینه را در نرخ تسهیلات منکس خواهد کرد و این چرخه، اعتبارات بانکی را به کالایی گرآن‌تر از گذشته تبدیل می‌کند.

اثر این سیاست را باید در سمت درآی ترازنامه بانک‌ها جست‌وجو کرد، به طوری که هرچه هزینه تجهیز منابع افزایش یابد، بانک نیز در انتخاب مشتری محافظه‌کارتر عمل خواهد کرد و بنگاه‌ی که دوره بازگشت سرمایه آن پنج یا هفت سال است، برای بانکی که باید ماهانه سود سپرده پرداخت کند، جذابیتی نخواهد داشت. اما در مقابل، فعالیت‌هایی که گردش مالی سریع‌تری دارند یا ترازویشان آنها با تورم افزایش پیدا می‌کند، در اولویت قرار می‌گیرند و حاصل این جابه‌جایی، کاهش سهم بخش‌های مولد از اعتبارات بانکی است که الزاماً با بخشنامه و دستور اداری رخ نمی‌دهد، بلکه از منطق اعتباری رفتار بانک ناشی می‌شود.

به این نکته نیز باید توجه کرد که تأمین مالی تولید، بر خلاف بسیاری از فعالیت‌های تجاری، نیازمند افق زمانی بلندتر و ثبات بیشتر است. یعنی کارخانه با وام کوتاه‌مدت و نرخ سود سنگین اداره نمی‌شود. بنابراین سرمایه در گردش، نوسازی ماشین‌آلات و توسعه ظرفیت تولید، زمانی معناد پیدا می‌کند که هزینه سرمایه با بازده فعالیت اقتصادی تناسب داشته باشد و هر گاه این تناسب از میان برود، سرمایه‌گذاری جدید متوقف می‌شود و بنگاه نیز به جای توسعه، تمام توان خود را صرف بقا خواهد کرد و اقتصاد کشورمان دقیقاً با همین مسئله روبه‌رو بوده و کاهش نرخ تشکیل سرمایه ثابت نیز بازتاب همین وضعیت است.

نکته‌ای که در دفاع از آزادسازی نرخ سود کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، تفاوت میان کنترل تقاضای پول و تقویت عرضه نقدینگی است. ولی افزایش نرخ سود، حتی اگر در کوتاه‌مدت بخشی از نقدینگی را در شبکه بانکی نگه دارد، جایگزین سرمایه‌گذاری مولد نخواهد شد. بنابراین اقتصادی که ظرفیت تولید آن افزایش پیدا نکند، دیر یا زود با محدودیت عرضه مواجه می‌شود و فشار تورمی از مسیر دیگری باز خواهد گشت. به همین دلیل، سیاست پولی زمانی به ثبات پایدار منجر می‌شود که هم‌زمان با اصلاح بودجه‌دولت، کاهش ناترازی بانک‌ها، بهبود محیط سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌وری اجرا شود.

به هر روی، آزادسازی نرخ سود، اگر آخرین حلقه یک برنامه جامع اصلاحات اقتصادی باشد، قابل دفاع است، اما اگر نخستین گام این مسیر تلقی شود، بیش از آنکه به اصلاح بازار پول بینجامد، هزینه تأمین مالی را افزایش خواهد داد و بخش مولد را از بازار اعتبار کنار خواهد زد. این در حالی است که تولید، بیش از هر چیز به سرمایه‌ای نیاز دارد که قیمت آن با بازده فعالیت اقتصادی تناسب داشته باشد. بنابراین هر سیاستی که این تناسب را بر هم بزند، حتی اگر با هدف اصلاح نظام پولی اتخاذ شود، در عمل از ظرفیت تولید، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی خواهد کاست و بهای آن را نیز اقتصاد ملی خواهد پرداخت.

۱۲ گزارش یک سعيده زماني

در بنادر جنوبي و تمرکز تجارت در اين بخش، سياستسنگدار را بر آن داشت تا استراتژي اولويت‌بندي پروژه‌هاي راهسازي و امتحول نقشه تجاري کشور را با تمرکز ویژه بر کريدورهاي شمالي تغيير دهد. بر اين اساس و طبق تازه‌ترين اظهارات يک مقام مسئول در وزارت راه و شهرسازي، بهسازي، روکش آسفالت و ايمن‌سازي ۱۰کريدور اصلي در دستسور کار قرار گرفته و اين پروژه‌ها هم‌اکنون در حال انجام است. ■ ■ ■

طرح جامع تغيير کريدورهاي تجاري کشور با هدف انتقال تدریجی تجسرات از بنادر جنوبي به بنادر شمالي و مرزهاي زميني با هدف مقابله با محاصره اقتصادي، چند مدتي است که وارد مرحله اجرائي شده است. راه‌هاي کريدوري به‌عنوان شريان‌هاي اصلي جابه‌جايي کالا و مسافر، نقش بسپار مهمی در اتصال مراکز توليدي، صنعتي، کشاورزي و مرزي هر استان به ساير نقاط کشور دارند و در عين حال، پيوند استان‌ها با شبکه حمل‌ونقل ملي را برقرار می‌کنند. بر همین اساس، سياستسنگدار ي اعتباري و فني در سطح سازمان راهداري با توجه ویژه به محورهاي انجام می‌شود. نکته اينجاست که حمل‌ونقل جاده‌اي کشور به‌ویژه در سال اخير، به سمتي پيش رفته که ضرورت توجه ویژه به مطالعات فني، ارتقاي سطح کيفي راه‌ها و بهبود خدمات‌رسانی به ذی‌نفعان جاده‌اي در حوزه کريدورهاي زميني پيش از گذشته احساس می‌شود. ■

کدام کريدورهاي بهسازي می‌شوند؟

در حال حاضر ۱۰ کريدور اصلي در کشور وجود دارد که امکان اتصال شمالي به جنوب، شرق به غرب و همچنين بنادر و مرزهاي آبي و خاکی را در سراسر کشور فراهم می‌کند و اين کريدورها مورد توجه قرار گرفته‌اند. گزارش نشان می‌دهد، هر کيدور تهران- مشهد در استان تهران، سمنان، شاهرود و خراسان رضوي، کريدور تهران-بازرگان در استان‌هاي تهران البرز، قزوین، زنجان، آذربايجان شرقي و آذربايجان غربي، کريدور تهران-بوشهر در استان‌هاي آذربايجان اصفهان، فارس و بوشهر، کريدور تهران-خسروي در تهران-بندر امام در استان‌هاي تهران، قم و مرکزي، کريدور بازرگان-بندر امام در استان‌هاي آذربايجان غربي، کردستان، کرمانشاه، لرستان و خوزستان، کريدور اربيل-مشهد در استان‌هاي اربيل، گيلان، مازندران، گلستان، خراسان شمالي و خراسان رضوي، کريدور مشهد-چابهار در استان‌هاي خراسان رضوي، خراسان جنوبي، سيستان و بلوچستان و ايرانشهر، کريدور بندر امام-چابهار در استان‌هاي

۱۲ گزارش ۲

حسام کمالي

خريد با کارت رفاهي نفعي سه اوراق گام در يک‌ماهه نخست سال ۱۴۰۵ ۶/۵ هزار ميليارد تومان عبور کرد که از مجموع عملکرد اين اوراق در کل سال ۱۴۰۴ فراتر رفت. هم‌زمان، ارزش عمليات اوراق هاي تأمين مالي زنجيره‌اي يه حدود ۸۴ ميليارد تومان رسيد و استفاده از اين شيوه تأمين اعتبار در زنجيره توليد و بازار مصرف افزايش يافت. ■ ■ ■

کارت رفاهي متصل به کارت گام، یکی از ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای است که با هدف پیوند دادن تولید، شبکه توزیع و مصرف وارد نظام بانکی شد و در این سازوکار، بانک به جای پرداخت تسهیلات نقدی، اعتبار مشخصی را در اختیار متقاضی قرار می‌دهد تا خرید کالا از فروشگاه‌های طرف قرارداد انجام شود و فروشگاه نیز در مقابل، اوراق گام در یافت می‌کند و اختیار دارد آن را تا سررسید نگه دارد، به بانک واگذار کند یا در معاملات بعدی به کار گیرد.

آمارهای رسمی از رشد استفاده از این ابزار در سال جاری حکایت دارد، به طوری که مجموع خریدهای انجام‌شده با کارت رفاهي متصل به اوراق گام در سه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۵ از ۶ هزار و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده است. این در حالی است که کل عملکرد این کارت در سال ۱۴۰۴ حدود ۶۷ هزار میلیارد تومان ثبت شده بود. همچنین از زمان آغاز اجرای این طرح تاکنون، مجموع خریدهای انجام‌شده با این کارت‌ها به بیش از ۸ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

۱۲ نکته

خبر استرداد ۲۵ هزار میلیارد تومان مالیات بر ارزش افزوده به صادرکنندگان و تولیدکنندگان، در ظاهر از حمایت دولت از بخش مولد اقتصاد حکایت دارد، اما اگر این خبر از زوایای دیگر خوانده شود، ابهامی جدی پیش روی سیاست‌گذار قرار می‌دهد مبنی بر اینکه چرا اساساً باید منابع مالی بنگاه‌های تولیدی و صادراتی مابه‌ا در اختیار دولت قرار گیرد تا بازگردانن همان پول، دست‌و‌دسترز تلقی شود؟

مالیات بر ارزش افزوده با این استدلال طراحی شد که با مالیاتی در نهایت بر دوش مصرف‌کننده‌نهایی قرار گیرد و شاید این گزاره در کتاب‌های اقتصاد معنا داشته باشد، اما در اقتصاد کف جامعه، فاصله میان نظریه و واقعیت بسیار عمیق است. یعنی تولیدکننده ایرانی بیش از آنکه کالای خود را بفروشد، ناچار است

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۶۰-۸۸۵۳۳



بهسازی ۱۰ کريدور اصلي در راه‌هاي کشور آغاز شده است

تغيير نقشه تجاري در کريدورهاي شمالي

بهسازي کريدورهاي اصلي کشور بخشي از تلاش براي باز تعريف جايبگاه ايران در نقشه جديد تجارت منطقه‌اي

و به نوعي تغيير نقشه تجاري در کريدورهاي شمالي کشور به شمار می‌روند

خوزستان، بوشهر، هرزگان و ايرانشهر و کريدور تهران-بندرعباس در استان‌هاي قم، اصفهان، يزد، کرمان و بندرعباس در طرح بهسازي، روکش آسفالت و ايمن‌سازي قرار دارند.

سرمایه‌گذاری ۳۰ همتی برای ارتقای کريدورهاي حمل‌ونقل

حسن جهانپان، معاون راهداري سازمان حمل‌ونقل جاده‌اي، در گفت‌ووبي با اشاره به صرف ۳۰ همت اعتبار براي بهسازي ۱۰ مسير جاده‌اي گفت: با فعاليت ۱۲۸۲ کپا اجرائسي، عمليات لکه‌گيري، روکش آسفالت، نصب علائم و خط‌کشي در اين مسيرها با هدف تسهيل جابه‌جايي بار و مسافر و ارتقاي ترافيت در حال انجام است.

او افزود: از ابتدای سال تاکنون نیز حدود ۲ هزار و ۵۰۰ کيلومتر عمليات لکه‌گيري و روکش آسفالت در اين کريدورها انجام شده، حدود ۵ هزار مترمربع نصب علائم و تابلو صورت گرفته و بيشش از ۴ هزار و ۵۰۰ کيلومتر خط‌کشي نیز اجرا شده است.

معاون راهداري سازمان راهداري و حمل‌ونقل جاده‌اي

تجاري کشور اظهار داشت: تجربه ماه‌هاي گذشته نشان داد تکليف صرف به بنادر جنوبي، کشور را در برابر تهديدهاي غير نظامي آسيب‌پذير می‌کند، به همین دليل، مجلس و دولت تصميم گرفتند با شناسايي ۲۴گذرگاه جايگزين (شامل بنادر شمالي درياي خزر، گمرکات غرب و شرق و همچنين بندر چابهار)، الگوي حمل‌ونقل را متحول کنند.

او افزود: خوشبختانه عملکرد اين مسيرهاي جديد در دو ماهه اول سال نسبت به مدت مشابه سال قبل، بين ۲۰ تا ۴۰ درصد رشد داشته است. اين موفقيت نشان می‌دهد ظرفيت داخلي براي جابه‌جايي سالانه ۱۰۰ تا ۱۱۰ ميليون تن بار از مسيرهاي جايگزين، کاملاً عملياتي و واقعي است.

موسوي با تأکيد بر اينکه «توسعه کريدورها يک الزام دائمي است، نه واکنش موقتي»، تصريح کرد: برخي تصور می‌کنند چون توافقات ديپلماتيک منجر به شکسته شدن محاصره دريايي شده، ديگر نيازي به اين مسيرهاي جديد نيست. اما اين طرز فکر کاملاً اشتباه است. هدف ما عبور موقت از بحران نيست، بلکه می‌خواهيم يک شبکه حمل‌ونقل مقاوم و پابدار براي دهه آينده بسازيم.

بهسازي کريدورها، پيش‌نياز جهش ترافيتي
تحويلات متشکل می‌دهد ايران به تدریج در حال حرکت به سمت تنوع‌بخشی به مسيرهاي تجاري و کاهش وابستگي به الگوهاي سنتنتي تجارت خارجي است. بهسازي ۱۰ کريدور اصلي کشور بخشي از تلاش براي باز تعريف جايبگاه ايران در نقشه جديد تجارت منطقه‌اي و به نوعي تغيير نقشه تجاري در کريدورهاي شمالي کشور به شمار می‌روند.

او افزود: بايد به کريدورهاي شمالي از سمت درياي خزر توجه ویژه داشته باشيم. بايجاد تفاهنامه‌هاي هماهنگي که در مجاورت ۱۷ استان ما قرار دارند، مي‌توانيم حجم مبادلات در برخي محورها را از ۴۰ ميليون دلا، به ۳ ميليارد دلا، افزايش دهيم.

توسعه کريدورهاي جايگزين حمل‌ونقل راهبردارتامي براي اقتصاد

سيد جمال موسوي، عضو هيئت رئيسه کميسيون عمران مجلس، نيز با اشاره به تحولات اخير در نقشه

اوايل نويه اوراق را دريافت می‌کند و اختيار دارد آن را

تا زمان سررسيد نگه دارد، به بانک واگذار يا در بازار ثانويه معامله کند. به اين ترتيب، اعتبار در زنجيره توليد جريان پيسدا می‌کند و نياز به جابه‌جايي مستقيم منابع نقدي کاهش می‌يابد.

از سوي دولت، اتصال کارت رفاهي به اين سازوکار، دامنه استفاده از اوراق گام را تا سطح مصرف خانوار گسترش داده است و دارندگان کارت می‌توانند کالاهاي مورد نياز خود را از فروشگاه‌هاي طرف قرارداد خريداري کنند و فروشگاه نيز اعتبار خود را در قالب اوراق گام دريافت کند. بنابر اين اين ارتباط، حلقه توليد، توزيع و مصرف را به يکديگر متصل کرده و امکان انجام خريدهاي اعتباري را براي بخشي از خانوارها فراهم کرده است.

هم‌زمان با افزايش استفاده از کارت رفاهي، پشتوانه اعتباري اين طرح نيز تقويت شده است، به طوري که طی سه‌ماهه نخست امسال حدود ۳ هزار و ۶۷۰ ميليارد تومان اوراق گام، از سروي سه بانک به نفع پذيرندگان طرف قرارداد صادر شد و صدور اين اوراق، فرابندتسويه معاملات ميان فروشگاه‌ها و تأمين‌کنندگان را تسهيل کرده و استمرار گردش اعتبار در زنجيره مبادلات را امکان‌پذير ساخته است.

رشد يک ابزار در بازار اعتبار

مقايسه عملکرد سال گذشته با آمار سه‌ماهه نخست امسال، از افزايش استفاده از کارت رفاهي متصل به اوراق گام حکايت دارد. البته هر چند بخشي از افزايش ارزش زبالي خريدها با رشد عمومي بانکي براي خريد مواد اوليه استفاده و فروشنده معاند

کارت رفاهي متصل به اوراق گام، یکی از ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای است که با هدف پیوند دادن تولید، شبکه توزیع و مصرف وارد نظام بانکی شد و در این سازوکار، بانک به جای پرداخت تسهیلات نقدی، اعتبار مشخصی را در اختیار متقاضی قرار می‌دهد تا خرید کالا از فروشگاه‌های طرف قرارداد انجام شود و فروشگاه نیز در مقابل، اوراق گام در یافت می‌کند و اختیار دارد آن را تا سررسید نگه دارد، به بانک واگذار کند یا در معاملات بعدی به کار گیرد.

افزايش خريدهاي اعتباري با کارت رفاهي هم‌زمان با رشد ساير ابزارهاي تأمين مالي زنجيره‌اي ثبت شده است و ارزش عمليات اوراق گام، برات الکترونيکي، کارت رفاهي متصل به اوراق گام و فاکتوربنگ در سال جاري به حدود ۸۴ هزار ميليارد تومان رسيده است، در حالی که اين رقم در مدت مشابه سال گذشته حدود ۷ هزار و ۷۰۰ ميليارد تومان بود. لذا از توسعه تدریجی استفاده از ابزارهاي اعتباري در بخش‌هاي مختلف اقتصاد خبر می‌دهد.

اعتبار در مسیر توليد تا مصرف
اوراق گام با هدف تقويت سرمايه در گردش واحدهاي توليدي طراحی شد و در اين الگو، کالاها دامن می‌زند. بنابر اين سازوکار، فشار مضاعفي بر خانوارها وارد می‌کند؛ زيرا مردم فقط ماليات قانوني را نمی‌پردازند، بلکه هزینه‌ها تا کارآمدی نظام وصول و استرداد را نيز تحمل می‌کنند.

صادرکنندگان نيز از اين قاعده مستثنا نيستند،

مالیات نهاده‌ها، مواد اولیه، خدمات، حمل‌ونقل و ده‌ها هزینه دیگر را پرداخت کند و از قضا، سرمایه در گردش بنگاه از همین نقطه قفل می‌شود و بخشی از نقدینگی واحد تولیدی، بدون اختیار صاحب سرمایه، به خزانه دولت انتقال می‌یابد. جالب آنکه سپس همان دولت، پس از طی فرآیندهای اداری، بخشی از این منابع را با عنوان «استرداد» بازمی‌گرداند و آن را نشانه حمایت از تولید معرفی می‌کند. باللعجب!

اصلاح هرچه باشد، حمایت از تولید نیست، شاید اصلاح بخشی از خسارتی است که خود نظام مالیاتی ایجاد کرده است. چرا که اگر مالیات بر ارزش افزوده چنین فشاری بر جریان نقدینگی تولید وارد نمی‌کرد، اساساً پرونده‌ای به نام استرداد با این ابعاد شکل نمی‌گرفت. پس بزرگ شدن رقم استرداد، بیش از

آنکه افتخار باشد، نشانی از گسترده بودن منابعی است که پیش‌تر از چرخه تولید خارج شده است. آثار این مالیات نیز به دیوار کارخانه محدود نمی‌ماند و تولیدکننده هزینه‌های مالی، خواب سرمایه، تأخیر در استرداد و هزینه تأمین نقدینگی را در قیمت نهایی کالا لحاظ می‌کند و مصرف‌کننده نیز همان هزینه‌ها را در قالب بودجه بالاتر پرداخت می‌کند. در نتیجه، مالیاتی که قرار بود فقط مصرف‌ر اهدف بگیرد، در افزایش هزینه تولید و رشد قیمت کالاها دامن می‌زند. بنابراین این سازوکار، فشار مضاعفی بر خانوارها وارد می‌کند؛ زیرا مردم فقط مالیات قانونی را نمی‌پردازند، بلکه هزینه‌ها تا کارآمدی نظام وصول و استرداد را نیز تحمل می‌کنند. و انتقال هزینه آن به مصرف‌کنندگان دنبال شود.

اعتراف ناخواسته به خسارت مالیات بر ارزش افزوده

|| پنج‌شنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۵ | ۱۷ محرم ۱۴۴۸ |

د د

در دهه‌هاي گذشته پيش از ۷۵ تا ۸۲ درصد مرادات تجاري کشور اعم از صادرات و واردات از طريق خليج فارس و بنادر جنوبي انجام می‌شد. اين در حالی است که در اسناد بالادستي کشور همواره بر اقتصاد مقاومتي و توسعه کريدورهاي غرب به شرق و شمال به جنوب تأکيد شده است

تجاري کشور اظهار داشت: تجربه ماه‌هاي گذشته نشان داد تکليف صرف به بنادر جنوبي، کشور را در برابر تهديدهاي غير نظامي آسيب‌پذير می‌کند، به همین دليل، مجلس و دولت تصميم گرفتند با شناسايي ۲۴گذرگاه جايگزين (شامل بنادر شمالي درياي خزر، گمرکات غرب و شرق و همچنين بندر چابهار)، الگوي حمل‌ونقل را متحول کنند.

او افزود: خوشبختانه عملکرد اين مسيرهاي جديد در دو ماهه اول سال نسبت به مدت مشابه سال قبل، بين ۲۰ تا ۴۰ درصد رشد داشته است. اين موفقيت نشان می‌دهد ظرفيت داخلي براي جابه‌جايي سالانه ۱۰۰ تا ۱۱۰ ميليون تن بار از مسيرهاي جايگزين، کاملاً عملياتي و واقعي است.

موسوي با تأکيد بر اينکه «توسعه کريدورها يک الزام دائمي است، نه واکنش موقتي»، تصريح کرد: برخي تصور می‌کنند چون توافقات ديپلماتيک منجر به شکسته شدن محاصره دريايي شده، ديگر نيازي به اين مسيرهاي جديد نيست. اما اين طرز فکر کاملاً اشتباه است. هدف ما عبور موقت از بحران نيست، بلکه می‌خواهيم يک شبکه حمل‌ونقل مقاوم و پابدار براي دهه آينده بسازيم.

بهسازي کريدورها، پيش‌نياز جهش ترافيتي
تحويلات متشکل می‌دهد ايران به تدریج در حال حرکت به سمت تنوع‌بخشی به مسيرهاي تجاري و کاهش وابستگي به الگوهاي سنتنتي تجارت خارجي است. بهسازي ۱۰ کريدور اصلي کشور بخشي از تلاش براي باز تعريف جايبگاه ايران در نقشه جديد تجارت منطقه‌اي و به نوعي تغيير نقشه تجاري در کريدورهاي شمالي کشور به شمار می‌روند.

او افزود: بايد به کريدورهاي شمالي از سمت درياي خزر توجه ویژه داشته باشيم. بايجاد تفاهنامه‌هاي هماهنگي که در مجاورت ۱۷ استان ما قرار دارند، مي‌توانيم حجم مبادلات در برخي محورها را از ۴۰ ميليون دلا، به ۳ ميليارد دلا، افزايش دهيم.

اوايل نويه اوراق را دريافت می‌کند و اختيار دارد آن را تا زمان سررسيد نگه دارد، به بانک واگذار يا در بازار ثانويه معامله کند. به اين ترتيب، اعتبار در زنجيره توليد جريان پيسدا می‌کند و نياز به جابه‌جايي مستقيم منابع نقدي کاهش می‌يابد.

از سوي دولت، اتصال کارت رفاهي به اين سازوکار، دامنه استفاده از اوراق گام را تا سطح مصرف خانوار گسترش داده است و دارندگان کارت می‌توانند کالاهاي مورد نياز خود را از فروشگاه‌هاي طرف قرارداد خريداري کنند و فروشگاه نيز اعتبار خود را در قالب اوراق گام دريافت کند. بنابر اين اين ارتباط، حلقه توليد، توزيع و مصرف را به يکديگر متصل کرده و امکان انجام خريدهاي اعتباري را براي بخشي از خانوارها فراهم کرده است.

هم‌زمان با افزايش استفاده از کارت رفاهي، پشتوانه اعتباري اين طرح نيز تقويت شده است، به طوري که طی سه‌ماهه نخست امسال حدود ۳ هزار و ۶۷۰ ميليارد تومان اوراق گام، از سروي سه بانک به نفع پذيرندگان طرف قرارداد صادر شد و صدور اين اوراق، فرابندتسويه معاملات ميان فروشگاه‌ها و تأمين‌کنندگان را تسهيل کرده و استمرار گردش اعتبار در زنجيره مبادلات را امکان‌پذير ساخته است.

رشد يک ابزار در بازار اعتبار

مقايسه عملکرد سال گذشته با آمار سه‌ماهه نخست امسال، از افزايش استفاده از کارت رفاهي متصل

به اوراق گام حکايت دارد. البته هر چند بخشي از افزايش ارزش زبالي خريدها با رشد عمومي بانکي براي خريد مواد اوليه استفاده و فروشنده معاند

صادرکنندگان نيز از اين قاعده مستثنا نيستند،

مالیات نهاده‌ها، مواد اولیه، خدمات، حمل‌ونقل و ده‌ها هزینه دیگر را پرداخت کند و از قضا، سرمایه در گردش بنگاه از همین نقطه قفل می‌شود و بخشی از نقدینگی واحد تولیدی، بدون اختیار صاحب سرمایه، به خزانه دولت انتقال می‌یابد. جالب آنکه سپس همان دولت، پس از طی فرآیندهای اداری، بخشی از این منابع را با عنوان «استرداد» بازمی‌گرداند و آن را نشانه حمایت از تولید معرفی می‌کند. باللعجب!

اصلاح هرچه باشد، حمایت از تولید نیست، شاید اصلاح بخشی از خسارتی است که خود نظام مالیاتی ایجاد کرده است. چرا که اگر مالیات بر ارزش افزوده چنین فشاری بر جریان نقدینگی تولید وارد نمی‌کرد، اساساً پرونده‌ای به نام استرداد با این ابعاد شکل نمی‌گرفت. پس بزرگ شدن رقم استرداد، بیش از